

بررسی عوامل موثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات در بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد

کرامت علی پور^۱، عقیل الهی نژاد^۲

^۱ کارشناس اعتبارات بانک کشاورزی، گروه مدیریت، بانک کشاورزی، یاسوج، ایران

^۲ کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی (مالی)، گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

عقیل الهی نژاد

aghill_elahi1983@yahoo.com

چکیده

هدف کلی و اساسی این تحقیق بررسی مهمترین عوامل موثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد می باشد که بر اساس اطلاعات و داده های موجود در خصوص تسهیلات بانک کشاورزی اعطا شده که فرضیاتی با متغیرهای مستقل عوامل موثر بر عدم باز پرداخت تسهیلات و متغیر وابسته ظرفیت اسمی، حجم سرمایه، وضعیت فعلی و مطالبات سررسید واحد های تولیدی می باشد که داده ها از طریق اطلاعات موجود از پرونده های بانکی با استفاده از روش دو روش میدانی و کتابخانه ای گردآوری شده است. حجم نمونه شامل ۱۴۸ طرح تولیدی است که از روش همبستگی جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شد و نتایج نشان داد بین متغیرهای ظرفیت اسمی و حجم سرمایه با عدم بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری وجود نداشته یعنی نمی توان متغیرهای ظرفیت اسمی و حجم سرمایه را بعنوان عوامل موثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات تلقی نمود و بین وضعیت فعلی با عدم بازپرداخت تسهیلات ارتباط معکوس وجود دارد و بین مطالبات سررسید شده با عدم بازپرداخت تسهیلات رابطه مستقیم برقرار دارد یعنی فعالیت واحد های تولیدی در موفقیت آنها برای ایفای تعهدات نقش موثری داشته است.

واژگان کلیدی: عدم باز پرداخت تسهیلات، ظرفیت اسمی، حجم سرمایه، وضعیت فعلی، مطالبات سررسید شده

مقدمه

طی دو دهه اخیر بروز بحران های مالی در سیستم بانکی، باعث متضرر ساختن بسیاری از بانک ها و موسسات اعتباری و ورشکستگی برخی از آن ها در اقتصاد جهانی گردیده است. در نتیجه وقوع چنین بحران هایی است که وظیفه ناظران به عنوان شناسایی منابع بروز بحران در جهت تصمیم گیری برای کاهش شدت و اثرات آن اهمیت پیدا می کند. میزان مطالبات سررسید شده و معوق بانک ها به ۱۳/۷ درصد در سال ۱۳۵۸ و بیش از ۱۶ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده است. بنابر آخرین گزارش بانک مرکزی مانده تسهیلات بانک ها تا سال ۱۳۸۷ مبلغ بیش از ۱۰۷۱۰ هزار میلیارد ریال بوده که حدود ۳۱۰ هزار میلیارد ریال، معادل ۱۸/۱ درصد مطالبات معوق وی مشکوک الوصول بوده است. در این میان سهم بانک های تجاری، تخصصی، بانک های غیردولتی و موسسات اعتباری بطور متوسط در سال های اخیر به ترتیب حدود ۶۵، ۲۵ و ۱۰ درصد بوده است (میشکین و آکینز، ۲۰۱۱).^۱ یکی از مهمترین عوامل در رشد و پیشرفت اقتصادی کشورها سرمایه گذاری می باشد. بازارهای مالی نقش اساسی در تجهیز و تخصیص منابع سرمایه گذاری به فعالیتهای اقتصادی دارند. از آنجاکه در ایران بازار سرمایه (اوراق بهادار و سهام) و سایر شبکه های مالی غیر بانکی رشد قابل توجهی نداشته اند، بانکها به عنوان واسطه های مالی بخش قابل توجهی از بازارهای مالی رادرتأمین مالی سرمایه گذاری ها به خود اختصاص داده اند (قالیباف اصل، ۱۳۸۹). بانک کشاورزی به عنوان یک بانک تخصصی عمده ترین مؤسسه رسمی اعتبارات کشاورزی کشور با بیش از ۷۰ سال سابقه، عهده دار تأمین منابع مالی مورد نیاز بخشهای کشاورزی می باشد. این بانک باهدف چندگانه افزایش تولید، تعدیل درآمدها، تسهیلات پذیرش فناوریهای جدید و جبران خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه، سالانه حدود ۷۰٪ از اعتبارات اختصاص یافته به این بخش را در اختیار متقاضیان در زیر بخشهای مختلف قرار میدهد (ایران نژاد، ۱۳۹۳). بنابراین، اعطای تسهیلات بانکی میتواند باعث افزایش سرمایه گذاری و تقویت تولید گردد و بستر را برای ارتقای سطح رفاه جامعه فراهم سازد. در این باره برننک و گرتلر (۱۹۹۵) با معرفی کانال اعتباری بیان می دارند که اجرای سیاست پولی انبساطی از طریق اعطای تسهیلات با تحت تأثیر قرار دادن تقاضای سرمایه گذاری، مخارج مصرفی و تقاضای کل، سطح تولید را افزایش می دهد و زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می کند. یکی از موضوعات مهم در خصوص اعطای تسهیلات بانکی، احتمال عدم تعهد وام گیرنده در بازپرداخت تسهیلات دریافتی است. عوامل متعددی در عدم بازپرداخت بدهی بانکها دخیل هستند که با شناسایی آنها می توان زمینه را برای کاهش و کنترل ریسک اعتباری فراهم کرد و در فرایند اعطای اعتبارات بهبود ایجاد نمود. موضوع عدم بازپرداخت بدهی بانکها بحث جدیدی نیست ولی از موضوعاتی است که اخیراً جزء دغدغه های اصلی بانکها به حساب می آید. بنابراین به واسطه بی توجهی به این موضوع در داخل کشور مطالعات وسیعی در این خصوص صورت نگرفته، ولی در خارج کشور مطالعات وسیعی روی این موضوع انجام یافته است. بنابراین در این تحقیق سعی می شود به این سوال پاسخ داد که مهمترین عوامل موثر بر عدم بازپرداخت تسهیلات بانک کشاورزی در استان کهگیلویه و بویراحمد کدامند؟

(۱) مبانی نظری پژوهش

طبقه بندی دارایی های بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی در ایران

برای بیان نحوه طبقه بندی دارایی های بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی در ایران، از بخشنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۲۸۲۳/ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۵ (پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی، ۱۳۸۵) استفاده گردید. این طبقه بندی به شرح زیر است:

طبقه بندی جاری: پرداخت اصل سود تسهیلات و یا بازپرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته یا حداکثر دو ماه از سررسید آن گذشته است.

طبقه بندی سررسید گذشته: از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات یا تاریخ قطع پرداخت اقساط، بیش از دو ماه گذشته است، ولی تاخیر در بازپرداخت، هنوز از شش ماه تجاوز نکرده است. در این صورت فقط مبلغ سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می شود.

طبقه بندی معوق: اصل سود تسهیلاتی که بیش از شش ماه و کمتر از هجده ماه از تاریخ سررسید یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها، سپری شده و مشتری هنوز به بازپرداخت بدهی خود اقدام نکرده است.

^۱- mishkin & Eakins^۲-bernank & gertler

تسهیلات مورد امهال: تسهیلات فوق در یکی از طبقات سررسید گذشته و معوق، در یکی از این طبقات قرار خواهد گرفت. در صورت بهبود وضعیت اعتباری مشتری و ایفای تعهدات در زمان مقرر احراز شرایط هر یک از طبقات بالاتر، این تسهیلات می تواند به این طبقه منتقل شود.

طبقه بندی دارایی های بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی در سایر کشورها

دارایی های غیر جاری:

دارایی هایی است که درآمد ایجاد نمی کند. زمانی که اصل یا بهره وام ها سررسید شده است و از زمان سررسید آن سه ماه یا بیشتر می گذرد، معمولاً به عنوان دارایی های غیر جاری شناخته می شود. طبقه بندی دارایی های بانکی، از حیث مدیریت ریسک بسیار حائز اهمیت است. دارایی های بانکی مبتنی بر استانداردهای بین المللی، معمولاً به صورت زیر طبقه بندی می شود (آدرین، کرنلی، ۲۰۰۱):

وام های زیر استاندارد:

وام های این گروه، ضعیف تعریف شده است. نقدینگی معتبر و ظرفیت پرداخت وام گیرنده، ضعیف است و مورد اطمینان نیست و بازپرداخت منظم بدهی، در مخاطره است. معمولاً وام هایی که از مدت بازپرداخت آن ها، شش ماه گذشته باشد، در این طبقه جای می گیرد (اولادیبیو، ۲۰۰۸): طبقه بندی مذکور را کشور هایی مانند آرژانتین، کلمبیا، کویت، مالزی، رواندا و اسلواکی در نظام بانکی خود استفاده می کنند.

وام های مشکوک الوصول:

وام هایی که از مدت بازپرداخت آنها، شش ماه الی یکسال گذشته باشد در این طبقه جای می گیرند (کورتواریا، ۲۰۰۰) این طبقه بندی را کشور هایی مانند آرژانتین، کلمبیا، کویت، جمهوری چک، پرو، رواندا و اسلواکی در نظام بانکی خود استفاده می کنند.

وام های سوخته شده:

این وام ها غیر قابل وصول تصور می شوند و چنان ارزش کمی دارند که ادامه ی آن، به عنوان دارایی بانکی توجیه ندارد. معمولاً وام هایی که از مدت بازپرداخت آنها، بیش از ۱۲ ماه گذشته باشد، در این طبقه جای می گیرند. (اولادیبیو، ۲۰۰۸).

طبقه بندی مشتریان از نظر وضعیت ایفای تعهدات

جامعه ی آماری فوق از نظر وضعیت اعتباری به ۵ دسته قابل طبقه بندی است:

(الف) شرکت هایی که تسهیلات اعتباری دریافتی (شامل اصل و سود تسهیلات) را موعدهای مقرر تسویه نموده اند (تسهیلات تسویه شده)

(ب) مشتریانی که تسهیلات اعتباری از بانک دریافت نموده اند و با وجود فرارسیدن زمان سررسید تسهیلات دریافتی تا حداکثر دوماه پس از سررسید به بازپرداخت وام های خود اقدام ننموده اند. (مطالبات جاری)

(ج) مشتریانی که با وجود گذشت زمانی دو تا ۶ ماه از زمان سررسید تسهیلات آنها، نسبت به ایفای تعهدات خود اقدام ننموده اند (مطالبات سررسید گذشته)

(د) مشتریانی که با گذشت بیش از ۱۸ ماه سررسید، اقدام به بازپرداخت بدهی خود ننمودند (مطالبات مشکوک الوصول) بانک ها در صد آن هستند که منابع خود را به گروه هایی تخصیص دهند که در موعدهای مقرر نسبت به بازپرداخت تسهیلات دریافت شده اقدام نمایند (گروه اول). اما همواره این امکان وجود دارد که مشتری به دلایلی تعهدات خود را با تاخیر تسویه نماید لیکن این امر به معنی قصور در بازپرداخت و عدم بازپرداخت نیست. به همین دلیل پس از سررسید شدن اقساط وام، بانک ها مدتی را به منظور مباحثات با مشتری جهت تسویه ی تعهدات وی در نظر می گیرند و پس از این مدت ۲ ماه مبلغ تسهیلات ارائه شده را به سرفصل سررسید گذشته انتقال می دهند و با گذشت مدت معینی از این تاریخ اگر تعهدات مربوطه تسویه نگردد به سرفصل معوق و سپس مشکوک الوصول انتقال می یابند. لذا تعیین معیاری برای مشتریانی که در بازپرداخت تعهدات خود قصور می نمایند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (شیرین بخش و همکاران، ۱۳۹۰).

تقسیم بندی مشتریان حقوقی

- مشتریان خوش حساب: شرکت هایی که تسهیلات دریافتی خود را حداکثر تا ۲ ماه پس از سررسید، تسویه می نمایند.
- مشتریان بد حساب: شرکت هایی که تسهیلات دریافتی آنها با گذشت دو ماه از سررسید به سرفصل تسهیلات سررسید گذشته منتقل گردیده ولی هنوز نسبت به تسویه تعهدات خود (اعم از اصل و سود تسهیلات) اقدام ننموده اند. شرکت هایی که پس از سررسید گذشته شدن تسهیلات مورد نظر (شامل تسهیلات انتقال یافته به سرفصل تسهیلات سررسید گذشته، معوق) نسبت به تادیه تعهدات خود اقدام می نمایند، جز این گروه از مشتریان طبقه بندی گردیده اند.

نظام بانکی یکی از ارکان اصلی نظام های اقتصادی است که عملکرد صحیح و اصولی آن، می تواند به رشد و شکوفایی نظام اقتصادی کمک کند، در غیر این صورت، ضربه های سنگینی را بر پیکره اقتصاد وارد خواهد کرد. یکی از معضلاتی که نظام بانکی کشور های مختلف از جمله ایران با آن روبرو است، افزایش مطالبات سررسید گذشته معوق بانک ها نسبت به کل تسهیلات اعطایی در شبکه ی بانکی کشور است که بیانگر کاهش کیفیت دارایی های شبکه ی بانکی و به تبع آن، بی ثباتی های مالی احتمالی در آینده است. هر چه حجم این نوع مطالبات، کمتر باشد، بیانگر توانایی بانک ها در حفظ منابع موجود است. بالا بودن حجم این نوع تسهیلات غیر جاری نیز بیانگر تهدید منابع بانکی است. آمارها نشان می دهد که نسبت این تسهیلات به کل تسهیلات اعطایی بانک ها، با رشد نسبتا قابل توجهی همراه بوده است. به طوری که این نسبت از ۷/۱ درصد در سال ۱۳۸۳، برای کل نظام بانکی به ۱۷/۵ درصد در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته و متاسفانه، این رقم در سال ۱۳۸۹ به ۲۴/۴ درصد رسیده است (پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی، ۱۳۸۹).

مقایسه وضعیت نظام بانکی کشور با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، بیانگر وضعیت وخیم نظام بانکی است. در سال ۲۰۰۸، ایتالیا با نسبت ۵/۶ درصدی، بدترین وضعیت را در بین کشور های پیشرفته به خود اختصاص داده است. بررسی آمارهای کشور های در حال توسعه نشان می دهد که کشور لبنان با نسبت ۱۰/۴ درصدی، ۷/۱ درصد از وضعیت بهتری نسبت به ایران برخوردار است (پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی، ۱۳۸۹).

دلایل مختلفی در شکل گیری و گسترش این معضل موثرند که در پژوهش حاضر، پس از مرور بررسی های انجام شده در ایران و جهان، آنها به دو دسته عوامل درون سازمانی و برون سازمانی تقسیم شده است. برای دانستن این موضوع که در ایران، کدام یک از دو دسته عوامل مذکور، در پیدایش مطالبات معوق، نقش بیشتری دارد.

مطالبات معوق از منظر مقررات بانک مرکزی

با توجه به اهمیت طبقه بندی اطلاعات مربوط به مطالبات سررسید شده و چگونگی پیگیری ها و نحوه ی وصول مطالبات و محاسبه ی ذخایر مربوطه توسط بانک ها و موسسات اعتباری، چارچوب کلی مطالبات تاخیری براساس آخرین ابلاغیه بانک مرکزی به چهار طبقه به شرح زیر تقسیم گردیده اند (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶).

۱- طبقه ی جاری: پرداخت اصل و سود تسهیلات و یا بازپرداخت اقساط در سررسید صورت گرفته و یا حداکثر از سررسید آن ۲ ماه گذشته است.

۲- طبقه ی سررسید گذشته: از تاریخ سررسید اصل و سود تسهیلات و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط بیش از ۲ ماه گذشته است، ولی تاخیر در بازپرداخت، هنوز ارز ۶ ماه تجاوز ننموده است. در این صورت فقط مبلغ سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می شود.

۳- طبقه ی معوق: اصل و سود که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط سپری شده است و مشتری هنوز اقدامی برای بازپرداخت مطالبات بانک اعتباری ننموده است. در این صورت مجموع اقساط سررسید شده تسهیلات به این طبقه منتقل می شود.

۴- طبقه ی مشکوک الوصول: تمامی اصل و سود تسهیلاتی که بیش از ۱۸ ماه از سررسید و یا از تاریخ قطع پرداخت اقساط آنها سپری شده است و مشتری هنوز اقدام به بازپرداخت بدهی خود ننموده است (تقی نتاج و نجف پور کردی، ۱۳۸۷).

انواع مطالبات

مطالبات به دو دسته سرفصل شده و سرفصل نشده قابل تقسیم اند. مطالبات سرفصل شده یا معوق را می توان به سه دسته تقسیم کرد: مطالبات سررسید گذشته که تا شش ماه پس از سررسید محاسبه می شود و در صورت عدم پرداخت به طبقه دوم یعنی معوق که بین شش تا ۱۸ ماه از اولین سررسید آنها گذشته وارد می شود. طبقه سوم مطالبات مشکوک الوصول است که ۱۸ ماه از اولین سررسید آنها می گذرد و بدترین نوع مطالبات معوق است. مشتریان معوق را نیز می توان به دو دسته دارای حسن نیت و مشتریان دارای سوءنیت تقسیم کرد. مسلما مشتریان دارای حسن نیت کسانی هستند که خواهان پرداخت بدهی های خود به بانک ها هستند اما به دلیل مسائل اجتماعی، اقتصادی و مشکلاتی که برایشان ایجاد شده قادر به بازپرداخت این مطالبات نشده اند. اما مشتریان دارای سوءنیت با ارائه وثایق نادرست یا تحت عناوین خاص اقدام به اخذ تسهیلات کرده و سپس این مبالغ را در جایی غیر از هدف عنوان شده مصرف کرده اند. همانطور که عزیزنژاد کارشناس مرکز پژوهش های مجلس اشاره کرده است، برخی تسهیلات گیرندگان با هدف به کارگیری تسهیلات در اماکن مقدس از بانک وام گرفته اما در سایر بخش ها مثل تجارت مصرف کرده اند.

بصورت کلی می توان انواع مطالبات را در ۳ گروه قید نمود:

مطالبات جاری: مطالباتی که بازپرداخت اصل و سود آن در سررسیدهای مقرر پرداخت شده و یا بیش از ۳ ماه از سررسید آن نگذشته است.

مطالبات سررسید گذشته: مطالباتی که از تاریخ سررسید اصل و سود آن و یا تاریخ قطع پرداخت اقساط آن بیش از ۲ ماه گذشته و هنوز از ۶ ماه تجاوز ننموده است.

مطالبات معوق: مطالباتی که بیش از ۶ ماه و کمتر از ۱۸ ماه از تاریخ سررسید و یا تاریخ قطع پرداخت اقساز آن سپری شده است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۹).

آثار مطالبات معوق بر وضعیت مالی بانک ها و موسسات اعتباری

براساس تحلیل و بررسی های انجام شده مطالبات معوق نزد شعب بانک ها و موسسات اعتباری، پیامدهای زیر را بر روی گزارش های مالی به دنبال خواهد داشت (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳).

۱- بلوکه شدن منابع مالی بانک ها: قبل از هرچیز جلوگیری از گردش صحیح پول در سیستم و قطع جریان و شریان حیاتی بانک ها و همچنین جلوگیری از ایجاد پول توسط بانک از طریق جریان صحیح و به موقع آن می شود.

۲- پرداخت سودهای تضمین شده و قطعی به سپرده گذاران و عدم حصول تمام سود معاملات پیش بینی شده از طریق تسهیلات اعطایی و ایجاد مطالبات معوق (با توجه به رشد سود و کاهش تسهیلات)، موجب ضرر و زیان بانک و موسسات مالی و اعتباری می شود.

۳- عدم امکان سرویس دهی به مشتریان خوش حساب و جذب منابع و مشتریان جدید از طریق اعطای تسهیلات (با توجه به اینکه مشتریان خوش حساب لاجرم باید ضامن وام گیرندگان شوند) (حبیبی و پژویان، ۱۳۸۱).

۴- جلوگیری از گسترش و توسعه ی سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصادی کشور از طریق منابع بانکی (حداقل مطالبات معوق) که می توانست در بخش های دیگر به کار گرفته شود.

۵- وارد آمدن ضربه ی روحی و روانی به کارکنان بانک به دلیل عدم بازدهی به موقع زحمات و تلاش آنان و فرسوده شدن توان مدیریتی مسئولان شعب

۶- فرار مشتریان خوش حساب بانک که ضامن بعضی از وام گیرندگان شده اند که در حقیقت باعث کاهش منابع بانک و تاثیر منفی بر منافع جدید بانک می شود (امیری، ۱۳۸۳).

۷- کاهش توان مالی بانک ها برای تزریق تسهیلات مالی جدید در جهت تامین مالی واحدهای تولیدی، صنعتی، خدماتی نیازمند بدین معنی که بانک ها به جهت تکمیل سقف تسهیلات خود امکان مساعدت را نداشته و این در حالی است که منابع هنگفتی از این تسهیلات را مطالبات معوق تشکیل داده، بخشی از امکانات مالی کشور را از گردش تولیدی و اقتصادی خارج نموده است.

۸- مطالبات معوق باعث کاهش درآمد مالی بانک در واحدی بلااستفاده مانده و واحدهای دیگر امکان استفاده از آنرا نداشته باشد، مسلما این دسته از واحد ها که از منابع بانک ها استفاده نمی کنند در ظرفیت های پائین تر به تولید خود ادامه خواهند داد که این امر کاهش تولید ناخالص مالی و نهایتا کاهش درآمد ملی می شود (تقی نتاج و نجف پور کردی، ۱۳۸۷).

۹- مطالبات معوق، امکان برنامه ریزی و سیاست گذاری اعتباری دقیق و موثر را از مدیران و مسئولان بانک ها و موسسات مالی و اعتباری گرفته و باعث کندی در تصمیم گیری و هرج و مرج در برنامه ریزی اعتباری بانک ها و موسسات مالی و اعتباری می شود.

۱۰- مطالبات معوق و عدم وصول به موقع تسهیلات بانک علاوه بر خسارات و لطمات بزرگ بر پیکر اقتصاد و جامعه، باعث اتلاف وقت و منابع مالی واحد های ذیربط بانک و همچنین اتلاف وقت مقامات قضایی و اجرایی کشور را نیز در پی خواهد داشت.

۱۱- داشتن مطالبات معوق سنگین به طور مستقیم می تواند تاثیر زیادی در زیان دهی بانک و عدم جذب منابع ارزان قیمت به خصوص در حساب جاری داشته باشد زیرا مشتریانی که از تسهیلات بانک استفاده می نمایند. در زمان دریافت تسهیلات اصولا از مشتریان نسبتا خوب بانک بوده ولی به دلیل عدم بازپرداخت اقساط خود نگرانی از بلوکه شدن حساب خود آنرا راکد نموده و برای مبادلات پولی و مالی و اعتباری دیگر پناه میبرند. همچنین ضامنین آنها نیز که بعضا از مشتریان خوب و معتبر بانک بوده به دلیل ترس از برداشت از حساب خود توسط بانک فعالیت خود را متوقف و جذب بانک ها و موسسات مالی و اعتباری دیگر خواهند شد.

۱۲- مطالبات معوق بانک ها و موسسات مالی و اعتباری را حداقل از دستیابی به سه نوع سود (تسهیلات، جریمه تاخیر و ذخایر مطالبات مشکوک الوصول) محروم میکند (همان منبع).

عوامل بنیادی معوقات

بررسی ها و مطالعات میدانی کارشناسی نشان داده است که مهم ترین عوامل ایجاد معوقات شامل موارد ذیل است:

- کاهش نرخ رشد اقتصادی

- نوسان نرخ تورم
- کاهش کیفیت اطلاعات
- تضعیف مدیریت دارایی ها و بدهی ها (وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۸۳).

نگاهی گذرا بر وضعیت اقتصادی در چند سال اخیر نشان می دهد که اکثریت تولیدکنندگان و فعالان عرصه های تولیدی و صنعتی با مشکلات بسیاری روبه رو بوده اند. تحریم ها و بحران اقتصادی جهانی، شرایط دشوار تولید در داخل کشور، مقررات گاه دست و پاگیر و تورم، مشکل نرخ ارز و ... همواره باعث ایجاد رکود در این بخش ها شده است. شماری از واحدهای تولیدی تعطیل شده یا در حال ورشکستگی می باشند. در مصاحبه ها و پرسشنامه های به دست آمده از برخی بدهکاران بانکی اکثریت قریب به اتفاق، وضعیت اقتصادی کشور را مهم ترین عامل ایجاد مطالبات دانسته اند و خواستار حمایت دولت در این زمینه می باشند. از سوی دیگر، طبق برخی آمارها و منابع بیش از هزارمیلیارد تومان از مطالبات معوق مربوط به بدهکاران صنعتی از جمله شرکت های ایران خودرو و سایپا می باشد. شورای پول و اعتبار، در بیست و هشتمین اجلاس هیات نمایندگان اتاق های بازرگانی کشور نیز اشاره شد که، بسیاری از بدهکاران به سیستم بانکی، خود طلبکار از شرکت های دولتی هستند. بنابراین به نظر می رسد طبقه بندی بدهکاران و تفکیک آنها از نظر موقعیت و نوع فعالیت می تواند بدهکارانی را که مایل به تسویه دیون خود بوده، اما قادر به انجام این کار نیستند از سوء استفاده کنندگانی که به دلایل صوری و غیر واقعی اقدام به اخذ تسهیلات کرده و آن را در سایر موارد مصرف می کنند مجزا کرده و برای وصول مطالبات از هر گروه، تمهیدات ویژه اندیشید (شیرین بخش و همکاران، ۱۳۹۰).

راهکارهایی برای کاهش ریسک اعتباری تسهیلات

ریسک (انحراف معیار یا احتمال خطر) عبارت است از احتمال وقوع هر نوع ضرر و زیان در آینده به سبب عملیات فعلی. ریسک را در همه فعالیت ها می توان تعریف کرد. از کارهای کوچک روزمره ی افراد گرفته تا انعقاد قراردادهای بزرگ اقتصادی در میان انواع ریسک ها، ریسک اعتباری از اهمیت زیادی برخوردار است. ریسک اعتباری عبارت است از احتمالی که یک شخص بدهکار به بانک، قادر به بازپرداخت تسهیلات دریافتی خود از بانک و نیز بهره ناشی از این تسهیلات نباشد.

این نوع ریسک به صورت ذاتی در بخش اعطای تسهیلات وجود دارد و در حقیقت احتمال غیر قابل وصول شدن وام ها در نتیجه ی ورشکستگی یا زوال در کیفیت اعتباری شخص وام گیرنده است. ریسک اعتباری به این معنی است که پرداخت های مشتریان به بانک ها ممکن است با تاخیر انجام گیرد و یا حتی اصلا وصول نشود. بنابراین مسائل و مشکلاتی را برای جریان وجوه و نیز مدیریت نقدینگی بانک به همراه خواهد آورد. علی رغم پژوهش ها و نوآوری های گوناگون انجام یافته در کنترل و نظارت بر ریسک های اعتباری، هنوز هم می توان گفت یگانه عامل ورشکستگی بانک ها همین مورد است. ترازنامه، صورت سود و زیان و گردش وجوه نقد بانک ها نیز به شدت متأثر از این نوع ریسک است. بعلا آنکه کار اصلی بانک واسطه ی وجوه بودن است، بنابراین وام دهی از فعالیت های مهم بانک ها محسوب می شود. این فعالیت مستلزم این است که بانک ها در باره ی وضعیت اعتباری وام گیرندگان پژوهش و بررسی نمایند و براساس نتیجه ی داوری نمایند. البته این احتمال وجود دارد که داوری انجام شده به واقعیت نپیوندد. برای مثال این امکان وجود دارد که وضعیت اعتباری وام گیرنده تحت تاثیر عوامل مختلف تنزل یابد. بنابراین عمده ترین تهدیدی که بانک ها در مورد ریسک های اعتباری با آن مواجه اند عدم اجرای قرارداد بر مبنای توافق انجام شده به دلیل ورشکستگی طرف مقابل است. این خطر نه تنها وام ها، بلکه سایر اقلام در معرض ریسک داخل و خارج از ترازنامه مانند تضمین ها، پذیره نویسی ها و سایر سرمایه گذاری های روی اوراق بهادار را نیز در بر می گیرد (هاشمی نودهی و علی مدد، ۱۳۷۷).

برای تحقق مدیریت مناسب ریسک های اعتباری، به نظر می رسد مدیریت بایستی برخی موارد موثر در این امر را مد نظر قرار دهد که عبارت است از:

- ۱- محدود کردن تسهیلات کلان: در این نوع محدودیت بایستی عواملی شبیه میزان تقاضای رسیده، بی ثباتی و ناپایداری سپرده ها و نیز ریسک اعتباری مورد ملاحظه قرار گیرند. مشکلات بحران های مشاهده شده در نظام بانکی کشورها عمدتاً ناشی از ضعف در مدیریت ریسک اعتباری بوده است. تمرکز اعطای تسهیلات با حجم بالا به یک شرکت، یک گروه صنعتی و یا حتی دریک صنعت از عوامل افزایش دهنده ی این ریسک تلقی می شود. همچنین اعطای تسهیلات به شرکت ها و یا تشکل های صنعتی مادر که به صورت تار عنکبوتی مالک سهام یکدیگر هستند بدون توجه به درجه اعتباری شرکت مادر و صورتهای مالی تلفیقی آن نیز از ریسک بالایی برخوردار است.

۲- توزیع مبنای طبقات مختلف مشتریان: همانطور که می دانید مشتریان (وام گیرندگان) توسط موسسات مختلفی درجه بندی و طبقه بندی می شوند. این طبقات نشان دهنده اعتبار وام گیرندگان می باشند. باید توجه داشت سیاست های مربوط به این نوع محدودیت ها باید قابلیت انعطاف نسبت به دستورات صادره از هیات مدیره را داشته باشند.

۳- تنوع در اعطای تسهیلات: یک سیستم وام دهی باید انواع وام ها و دیگر ابزارهای اعتباری را که بانک ها تمایل به ارائه آنها به مشتریان را دارد کاملاً مشخص کند و همچنین باید خطوط کلی مربوط به وام های خاص را نیز معین کند. تصمیم گیری درباره نوع ابزارهای اعتباری باید براساس نظرات کارشناسی متخصصان امور بانکی و ساختار سپرده بانک باشد. اعتباراتی که با یک ضرر غیر عادی مواجه می شوند باید توسط مدیریت، کنترل شده و یا اینکه کاملاً از اعطای آن اعتبار خودداری شود.

۴- دوره ی زمانی تسهیلات: زمان مندی بازپرداخت اقساط تسهیلات اعطایی بایستی بر مبنای روشی منطقی و معقول محاسبه شود. زمان بندی بازپرداخت باید با توجه به منابع بازپرداخت مورد انتظار (مانند هدف از اعطای وام و عمر مفید وثیقه وام) باشد.

۵- قدرت وام دهی: قدرت وام دهی معمولاً بیستگی به اندازه بانک دارد. در بانک های کوچکتر این قدرت متمرکز شده است. به منظور جلوگیری از تاخیر در فرایند وام، بانک ها ی بزرگتر تمایل به تمرکز زدایی مطابق با منطقه ی جغرافیایی، محصولات وام و طبقات مشتریان دارد. یک سیاست وام دهی باید کلیه محدودیت هایی را که برای کارشناسان وام دهی وجود دارد را شناسایی کند، تا کارشناسان طبق سلیقه ی خود عمل نکنند (هدایتی، ۱۳۷۹).

۶- اطلاعات مالی: محدوده امن ریسک امن ریسک اعتباری بستگی به اطلاعات کامل و درستی دارد که شامل تمام جزئیات وضعیت اعتباری وام گیرنده است. یک استثنا برای این قانون می توان قائل شد و آن موردی است که وام دارای وثیقه ای باشد که سریعاً قابل نقد شدن است. این وثیقه به عنوان منبع بازپرداخت وام تلقی می شود. یک سیاست وام دهی، باید نیاز های مالی شرکت ها و افراد را در سطوح مختلف وام گیری تعریف کند و همچنین شامل خطوط کلی برای وضعیت های حسابرسی نشده و سایر وضعیت ها باشد. اگر سررسید وام، نشان دهند که وام از محل جریان نقد بازپرداخت می شود. در تهیه ی صورت جریان وجوه نقد، همه ی جوانب را باید در نظر گرفت و و دقیق ترین محاسبات صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که وام بازپرداخت خواهد شد (عرب مازار یزدی، ۱۳۸۷).

۲) پیشنهاد پژوهش

شعبانی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن می پردازد. در این مقاله پس از بررسی تجارب داخلی و خارجی در باره ی دلایل و راهکارهای مقابله با معضل مطالبات معوق و انجام پژوهش های میدانی، بیش از ۳۰ عامل را در بروز مطالبات معوق کشور شناسایی کردند. نتایج تحقیق بیانگر این بود که در نظام بانکی ایران، نقش عوامل درون سازمانی در شکل گیری معوقات، از عوامل برون سازی سازمانی بیشتر است. در پایان نیز بیش از سی راهکار برلای مقابله با معضل معوق کشور بیان گردید.

شمس اله و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی عوامل موثر بر احتمال عدم بازپرداخت تسهیلات اعتباری بانکها پرداختند. تحقیق با هدف شناسایی عوامل موثر بر ریسک اعتباری مشتریان حقوقی بانک توسعه صادرات ایران و تدوین مدلی جهت سنجش میزان احتمال نکول آنها با استفاده از روش رگرسیون لجستیک انجام گرفته است. نمونه ی این تحقیق شامل ۳۳۰ نفر از مشتریان این بانک که ۲۶۵ نفر از آنها مشتری خوش حساب و ۶۵ نفر مشتری بد حساب از میان شرکت هایی که طی سال ۱۳۸۷ تسهیلات دریافت نموده اند، بودند. نتایج این تحقیق نشان داد که متغیر های نسبت نقدینگی به بدهی کل، نسبت گردش داراییها، نسبت جاری و نسبت نقدی دارای اثر معکوس بر ریسک اعتباری هستند و نسبت جریان نقدی آزاد، نسبت کل بدهی ها، نسبت بدهی جاری به ارزش ویژه، دارای اثر مستقیم بر ریسک اعتباری می باشند.

کردبچه و پردل نوش آبادی (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی عوامل موثر بر مطالبات معوق در صنعت بانکداری ایران پرداختند. یافته های تحقیقشان نشانگر این بود که وضعیت اقتصاد کلان دارای اثر معناداری بر مطالبات معوق در نمونه ی مورد بررسی داشته است.

ویلیامز و بوشمن (۲۰۱۲)^۱ به بررسی صلاحدید حسابداری، تأمین مطالبات معوقه، و نظم و انضباط در ریسک پذیری بانک ها پرداختند. یافته های تحقیقات نشانگر این بود که تأمین مطالبات از طریق درآمدهای جاری بانک و در نتیجه ایجاد وام های بدون کارمزد، نظم و انضباط بانک را کاهش می دهد و تغییر در رفتارهای بانکی را منجر می شود.

^۱ - Williams and Bvshmn

آی سود (۲۰۱۲)^۱ در تحقیقی به بررسی تأمین مطالبات معوق و هموارسازی درآمد در بانک های ایالات متحده، قبل و بعد از بحران مالی پرداختند. یافته های تحقیقات نشانگر این بود که بانک ها در دوران رونق، کمترین نظارت را دارند و سودآوری بالاست و در دوران رکود، بنگاه های حسابداری استاندارد و تنظیم کننده بانک ها، با توجه به مدل هایی که ارائه می دهند بر مطالبات معوقه موثرند. بوستون (۲۰۱۰)^۲ در تحقیقی به بررسی اثر مشترک شکنندگی مالی و شوک های اقتصاد کلان بر مطالبات معوق بانکی (مدارک و شواهد از اروپا) پرداختند. یافته های این تحقیق نشان داد که نرخ بهره مالی بالا که به نوعی شوک اقتصادی و بحران مالی است منجر به افزایش مطالبات معوق بانک می شود.

۳) فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: بین مهمترین عوامل موثر بر عدم باز پرداخت تسهیلات اعطائی بانک کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه های فرعی پژوهش

- 1- ظرفیت اسمی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.
- 2- حجم سرمایه واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.
- 3- وضعیت فعلی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.
- 4- مطالبات سر رسید شده واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

۴) روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر جمع آوری اطلاعات توصیفی-پیمایشی و از نظر تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع همبستگی است. تحقیق حاضر به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته و در پی اثبات وجود این رابطه در شرایط کنونی می باشد. بنابراین میتوان آنرا از نوع علی- پس رویدادی طبقه بندی نمود. در اینگونه تحقیقات، محقق به بررسی علت و معلول پس از وقوع می پردازد. در این تحقیقات بین متغیرها یک رابطه آماری وجود دارد که هدف بررسی این رابطه می باشد. به منظور تجزیه و تحلیل نتایج پرسشنامه، از آزمونهای همبستگی با استفاده از نرم افزار SPSS برای انجام عملیات آماری بهره گرفته شده است.

۵) تحلیل داده ها

۱-۵) بررسی فرضیه های تحقیق

فرضیه فرعی اول: ظرفیت اسمی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

H0 : ظرفیت اسمی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری ندارد.

H1: ظرفیت اسمی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

جدول (۱) آزمون ظرفیت اسمی واحد تولیدی با عدم بازپرداخت تسهیلات

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
ظرفیت اسمی واحد تولیدی	۰/۰۸۸	۰/۲۵۸

نتایج ارائه شده در جدول (۱) نشان می دهد که ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای ظرفیت اسمی واحد تولیدی و عدم بازپرداخت تسهیلات به میزان ۰/۰۸۸ و با سطح معناداری ۰/۲۵۸ می باشد که بالاتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته حاکی از

^۱ -iSOOD

^۲ - Psvla

پذیرش فرضیه H0 فوق است و نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، در طول دوره تحقیق، ارتباط معنادار به لحاظ آماری وجود نداشته است. بر این اساس، فرضیه اول تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

فرضیه فرعی دوم: حجم سرمایه واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

H0: حجم سرمایه واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری ندارد.

H1: حجم سرمایه واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

جدول (۲) آزمون حجم سرمایه واحد تولیدی با عدم بازپرداخت تسهیلات

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
حجم سرمایه واحد تولیدی	۰/۰۸۴	۰/۳۰۹

نتایج ارائه شده در جدول (۲) نشان می دهد که ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای حجم سرمایه واحد تولیدی و عدم بازپرداخت تسهیلات به میزان ۰/۰۸۴ و با سطح معناداری ۰/۳۰۹ می باشد که بالاتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته حاکی از پذیرش فرضیه H0 فوق است و نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، در طول دوره تحقیق، ارتباط معنادار به لحاظ آماری وجود نداشته است. بر این اساس، فرضیه دوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

فرضیه فرعی سوم:

5- وضعیت فعلی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

H0: وضعیت فعلی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری ندارد.

H1: وضعیت فعلی واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

جدول (۳) آزمون فرضیه وضعیت فعلی واحد تولیدی با عدم بازپرداخت

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
وضعیت فعلی واحد تولیدی	-۰/۳۲	۰/۰۰۰

نتایج ارائه شده در جدول (۳) نشان می دهد که ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای وضعیت فعلی واحد تولیدی و عدم بازپرداخت تسهیلات به میزان -۰/۳۲ و با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد که کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته حاکی از رد فرضیه H0 فوق است و نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، در طول دوره تحقیق، ارتباط معکوس و معناداری به لحاظ آماری وجود داشته است. بنابراین، می توان دریافت که واحدهای فعال، مطالبات معوق کمتری داشته اند. بر این اساس، فرضیه وضعیت فعلی واحد تولیدی و عدم بازپرداخت تسهیلات تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

فرضیه فرعی چهارم:

6- مطالبات سر رسید شده واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

H0: مطالبات سر رسید شده واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری ندارد.

H1: مطالبات سر رسید شده واحد تولیدی با بازپرداخت تسهیلات ارتباط معناداری دارد.

جدول نتایج (۴) آزمون فرضیه مطالبات سررسید شده واحد تولیدی با عدم بازپرداخت تسهیلات

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مطالبات سررسید شده واحد تولیدی	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰

نتایج ارائه شده در جدول (۴) نشان می دهد که ضریب همبستگی اسپیرمن برای متغیرهای مطالبات سررسید شده واحد تولیدی و عدم بازپرداخت تسهیلات به میزان ۰/۳۷۹ و با سطح معناداری ۰/۰۰۰ می باشد که کمتر از ۰/۰۵ (سطح خطای آزمون) است. این یافته حاکی از رد فرضیه H_0 فوق است و نشان می دهد که بین متغیرهای مذکور، در طول دوره تحقیق، ارتباط مستقیم و معناداری به لحاظ آماری وجود داشته است. بر این اساس، فرضیه چهارم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می شود.

۶) بحث، نتیجه گیری و پیشنهادات

در خصوص یافته های فرضیه اول می توان چنین استدلال نمود که احتمالاً ظرفیت عملی واحدهای تولیدی نمونه آماری با ظرفیت اسمی آنها تفاوت چشمگیری داشته است و این تفاوت باعث شده است که بین ظرفیت اسمی با متغیر عدم بازپرداخت تسهیلات رابطه معناداری وجود نداشته باشد. به عبارت دیگر، در شرایطی که واحد تولیدی در سطوح بالاتر یا پایین تر از ظرفیت اسمی به فعالیت می پردازد و بین ظرفیت اسمی با سطح فعالیت، تفاوت چشمگیری به وجود می آید؛ ظرفیت اسمی، یک متغیر نامربوط می شود. در خصوص نتایج حاصل از فرضیه دوم تحقیق، می توان اینگونه استدلال نمود که احتمالاً، واحدهای تولیدی نمونه آماری، از سرمایه ای که در اختیار داشته اند؛ بطور موثر و کارآ، استفاده نکرده اند. به عبارت دیگر، ممکن است مدیران این واحدهای تولیدی، ماشین آلات و تجهیزات تولیدی محدودی خریداری کرده باشند و یا اینکه بخشی از ماشین آلات تامین شده، بلا استفاده باشد. این امر باعث می شود که حجم سرمایه بالا، نقشی در بهبود توانایی واحد تولیدی در ایفاء تعهداتش نداشته باشد. یافته های فرضیه سوم تحقیق حاضر را می توان از دو جهت در راستای نتایج تحقق این محققین دانست. اول اینکه، نوع فعالیت واحد تولیدی عاملی است که به طور بالقوه می تواند بر امکان راکد شدن فعالیت آن تاثیرگذار باشد. از این جهت، نوع فعالیت باید متناسب با شرایط تجاری و جغرافیایی مربوطه تعریف شود. دوم اینکه، بنظر می رسد که مشتریانی دارای سابقه همکاری بیشتر با بانک هستند که واحد تولیدی آنها فعال باشد و بطور مداوم از خدمات تامین مالی بانک بهره بگیرند. این همکاری از آنجا تداوم خواهد داشت که واحد تولیدی تعهدات خود را در مقابل بانک، به موقع انجام دهد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم نشان داد که بین مطالبات سررسید شده واحد تولیدی با عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. این یافته با مبانی نظری پژوهش و همچنین با ادعای مطرح شده در فرضیه چهارم سازگار است. مطالبات سر رسید شده، مطالباتی است که زمان پرداخت آنها سپری شده باشد. سپری شدن سر رسید مطالبات ممکن است در شرایطی اتفاق بیافتد که واحد تولیدی وام گیرنده با کمبود منابع مالی جهت بازپرداخت تسهیلات مواجه شود. بنابراین، می توان انتظار داشت که وام گیرندگانی که دارای مطالبات سر رسید شده هستند؛ با احتمال بیشتری قادر به ایفاء تعهدات خود نخواهند بود. در واقع می توان وجود مطالبات سر رسید شده را نشانه بالقوه ای برای عدم بازپرداخت تسهیلات توسط وام گیرندگان دانست.

- [۱] امیری، ا (۱۳۸۳). بررسی چالش های فراروی سیستم بانکی و آثار آن، مقاله ارایه شده در اولین همایش بررسی نقش و عملکرد نظام بانکی در تحقق اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تهران.
- [۲] ایران نژاد، ژ. (۱۳۷۵). سرمایه گذاری و اعتبارات در بخش کشاورزی ایران، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، تهران.
- [۳] تقی نتاج، غ. نجف پورکردی، ح (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل علل افزایش مطالبات معوق بانک نمونه و راه کارهای پیشگیری و کاهش آن .. ۱: ۱۱: ۱۵.
- [۴] حبیبی، س. پژوهان، ج (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر بازپرداخت به موقع تسهیلات بانک کشاورزی طی سال های ۷۹-۶۳، موسسه عالی بانکداری.
- [۵] حیدری، ه. زواریان، ز. نوریخ، ا (۱۳۸۹). بررسی اثر شاخص های کلان اقتصادی بر مطالبات معوق بانک ها، فصلنامه پول و اقتصاد، ش ۴، ص ۱۹۱-۲۱۹.
- [۶] شعبانی، ا. جلالی، ع (۱۳۹۱)، دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن. فصلنامه علمی- پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال شانزدهم.
- [۷] عرب مازار، ع. روئین تن، پ (۱۳۸۵). عوامل موثر بر ریسک اعتباری مشتریان بانکی؛ مطالعه موردی بانک کشاورزی. کشاورزی. دو فصلنامه جستارهای اقتصادی. ۶: ۴۵- ۸۰.
- [۸] قالبیاف اصل ح (۱۳۸۸). سه دستورالعمل مهم بورس از سال ۸۹، ایران اکونومیست، دوشنبه، سوم اسفند ماه ۱۳۸۸.
- [۹] وزارت امور اقتصادی و دارایی، (۱۳۸۳). عملکرد سیستم بانکی کشور طی برنامه سوم توسعه، انتشارات وزارت امور اقتصاد و دارایی، تهران.
- [۱۰] هاشمی نودهی، م. و علی مدد، م. (۱۳۷۷). بررسی علل ایجاد مطالبات معوق و سررسید گذشته تسهیلات در بانک مسکن طی سال های ۱۳۶۰-۱۳۶۵. موسسه عالی بانکداری.
- [۱۱] هدایتی، م. (۱۳۷۹). بسط عملکرد کیفی در تعیین مشخصه های فیزیکی شعب. مجله مدیریت صنعتی. شماره ۷. صفحه ۸۳ تا ۱۰۴

- [12]Adriaan M. Bloem & Cornelis, N.Gorter.(2001). The Treatment of Nonperforming Loans in Macroeconomic Statistics.IMF Working Paper
- [13]Bastos. João A.2010., " Forecasting bank loans loss-given-default", 2010, Journal of Banking & Finance, Volume 34, Issue 10, pp 2510-2517
- [14]Bushman. Robert M., Williams. Christopher D., "Accounting discretion, loan loss provisioning", and discipline of Banks' risk-taking, 2012, Journal of Accounting and Economics, Volume 54, Issue 1, pp 1-18
- [15]El Sood. Heba Abou," Loan loss provisioning and income smoothing in US banks pre and post the financial crisis", 2012, International Review of Financial Analysis
- [16]Kvrtvarya et al.(2000). financial development and economic growth in Malaysia? Economic Modeling. No. 25, pp. 38-53.
- [17]Oladeebol j O.O ladeebo O E. 2008 . Determinants of Loan Repayment among smallholder Farmers in Ogbomoso A gricultural Zone of Oyo state, Nigeria J. Soc . Sci . 17(1):59-62.